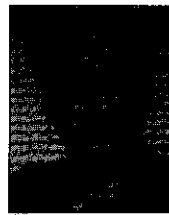


پلنگینه پوش

توضیحاتی پیرامون ابیاتی از شاهنامه‌ی فردوسی



پهروز خسروزاده

این مقاله در پی توضیحی است که در مقاله‌ی خود به نام «توضیحاتی پیرامون ابیاتی از شاهنامه‌ی فردوسی» برخی از ابیات شاهنامه زده که به نظر ایشان درست معنی نشده است و با برداشت از آن‌ها نادرست بوده، آن گونه که به نظرشان صحیح آمده است - معنا کرده و دلایل خود را برشمرده‌اند.

به جنگ آمده‌ام. پس شیر و ببر و پلنگ استعاره از رستم است نه پهلوانان دیگر. □ در داستان پادشاهی کیومرث بینی هست که در نسخه‌های مختلف دست کم به دو صورت ضبط شده است:

یکایک پیامد خجسته سروش

به سان پری‌ای پلنگینه پوش

یکایک پیامد خجسته سروش

به سای پری با پلنگینه پوش

به نظر می‌رسد ضبط نخستین غلط باشد؛

چرا که «پلنگینه پوش» صفت آمده است برای پری؛ یعنی: پری‌ای که پوست پلنگ پوشیده است؛ که مسلماً این معنا غلط است و داستان هم این را نمی‌گوید. ترکیب کنایی «به سان پری» که در هیچ یک از فرهنگ‌های شاهنامه نیامده است - به معنی «نیز و سریع» است؛ درست مانند ترکیب کنایی «چون توند» و «به سان تونده» که به معنی تند و تیز و سریع

حال پرشش این است که پهلوانان بزرگ و شجاع چه گونه به جنگ می‌روند؟ سواره یا پیاده؟ با توجه به فرهنگ پهلوانی و دیدگاه شاهنامه، هر پهلوان بزرگی سواره به جنگ می‌رود نه پیاده؛ و پهلوانان بزرگ به جز در موارد اضطراری هرگز بدون اسب به میدان نمی‌روند؛ حتی اگر در میدان جنگ اتفاتی برای اسب پهلوانان بیفتد، فوراً اسب دیگری برایش می‌فرستند که پیاده نماند و اتفاقاً دلیل تعجب اشکیوس هم همین است که چرا رستم قاعده را برهم زده و پیاده به جنگ آمده است و رستم در جواب او می‌گوید: در کشور شما شیر، سلطان جنگل، و ببر و پلنگ - که هر سه حیوان، جنگاوران شجاع و بزرگی هستند - سواره به جنگ و شکار می‌روند؛ که جوابش این است که البته این سه حیوان سواره به جنگ نمی‌روند.

بنابراین رستم می‌خواهد بگوید که من شیرم؛ من ببرم؛ من پلنگم؛ و مانند آن‌ها پیاده

□ در شاهنامه‌ی فردوسی، در داستان رستم و اشکیوس بینی هست که رستم خطاب به اشکیوس می‌گوید: «شیر و ببر و پلنگ به شهر شما شیر و ببر و پلنگ سواره درآیند هر سه به جنگ»

استاد شمسی‌سا در توضیح این بیت نوشته‌اند: «شیر و ببر و پلنگ استعاره از پهلوانان دیگر است؛ و دبیران محترم ادبیات هم با توجه به نظر استاد آن کلمات را استعاره از پهلوانان دیگر گرفته و همان گونه هم معنی کرده‌اند - این برداشت نه تنها باعث افت معنی می‌شود، از زیبایی بیت هم می‌کاهد - اگر نظر استاد و دبیران محترم را بپذیریم، این بیت باید چنین معنی شود: آیا در کشور شما پهلوانان بزرگ و شجاع سوار بر اسب به جنگ می‌روند؟ و با توجه به این که بیت پرشش ناگیندی است؛ باید نتیجه بگیریم که: البته پهلوانان بزرگ و شجاع در کشور شما سواره به جنگ نمی‌روند»

مروغی خوش‌سینه، جبر و زور خست‌ور دارد
 (زویب ۱۳۴۱) کارستان از بند نشینی
 زبان و ادبیات فارسی را فخر شاطی در
 مدارس راهنمای استفاده‌های درختان
 شهرستان ارومیه است



سخن چون به گوش سیامک رسید
 ز کردار بدخواه دیو بپلید
 دل شاه بجه برآمد به جوش
 سپاه انجمن کرد و بگشاد گوش
 معنی ابیات
 ناگهان سروش خجسته آمد
 و سریعاً به کیومرث،

بحرین را گفتش
 که دیو بجه و پدرش اهریمن چه نقشه‌ای
 کشیده‌اند.
 وقتی این قضیه از توسط کیومرث یا
 دیواریان به گوش سیامک رسید و متوجه عمل
 دیو بجه و پدرش شد،
 سخنان تبار زد و ...
 با این توضیحات به نظر می‌رسد که ضبط
 «زول مول» بر ضبط «مسکو» ارجح باشد.

می‌شود و وجه شبه این همانندی «چالاکتی و
 شتاب» است؛ یعنی وقتی جواب نامه نوشته
 شد، فاصد بُند و تیز آمد تا نامه را ببرد. به هر
 حال در شاهنامه کلمه‌ی پری وقتی با ادات تشبیه
 آن به این صورت به کار رفته، مضاف و موصوف
 واقع نشده است.
 اشکال دیگری که «ضبط مسکو» دارد، این
 است که ما را در فهم بیت زیرین دچار مشکل
 می‌کند و خواننده تصور می‌کند که سروش به
 سیامک پیام داده است و حال آن‌که طرف
 خطاب سروش کیومرث است نه سیامک؟ در
 حالی که ضبط «زول مول» صراحت دارد که
 سروش با پلنگینه پوش سخن گفته است؛ یعنی
 کیومرث؟ و عرض از پلنگ در بیت بعد پدر
 دیو بجه است نه پدر سیامک.
 یکایک بیامد خجسته سروش

«به سان پری با پلنگینه پوش»
 بگفتش و از زمین سخن در پدر
 که دشمن چه سازد همی با پدر

آمده است؛ «لغت‌نامه‌ی دهخدا ذیل کلمه‌ی
 نوند»؛ بنابراین «به سان پری» هم به معنی تند و
 تیز و سریع است.
 معنی بیت با توجه به ضبط دوم:

«ناگهان سروش آمد و تند و سریع به پلنگینه
 پوش (کیومرث) گفت که دیو بجه با پدرش چه
 نقشه‌ای کشیده است.»

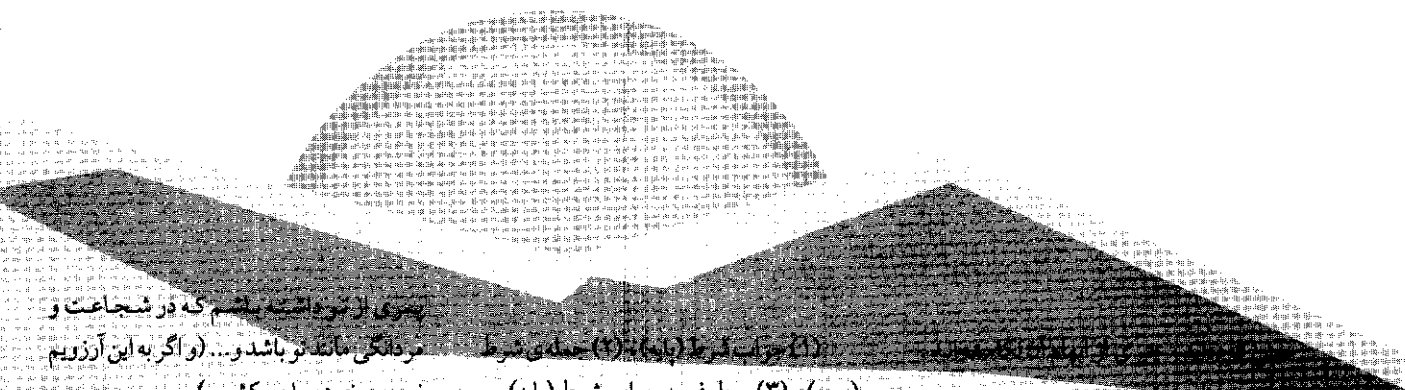
«پلنگینه پوش» صفت جانشین اسم است
 و به جای کیومرث آمده است. این ترکیب
 حداقل در در بیت دیگر شاهنامه نیز آمده است؛
 در داستان بیژن و میتره می‌خوانیم:

سبک دست رسم «به سان پری»
 بدو در نهان کرد انگشتری

در این بیت هم «به سان پری» به معنی «تند
 و تیز و سریع» آمده است.
 و هم چنین در بیت:

چو آن پاسخ نامه گشت اسپری
 فرستاده آمد به سان پری

که در این جا هم همان معنی مستفاد



په‌ری از تو داشته باشم که در شجاعت و مردانگی مانند تو باشد و... (و اگر به این آرزویم نرسم، خودم را می‌کشم.)

اگر این معانی را بپذیریم، دلیل سوم تهمینه بی‌مورد است؛ یعنی او در اصل دو دلیل می‌آورد نه سه دلیل و دلیل سوم (که البته دلیل هم نیست) ساخته و پرداخته‌ی سخنان است. به احتمال قریب به یقین، استادان از خمند این گفته‌ی بنده را نخواهند پذیرفت؛ چرا که در تمام نسخه‌های شاهنامه دلیل سوم هم ذکر شده است (احتمالاً جز در شاهنامه‌ی عربی)؛ بنابراین بنده قادر به بیان دلیل نقلی از هیچ نسخه‌ای نیستم و تنها می‌توانم با دلایل عقلی موضوع را توضیح دهم.

دلیل اول این که آن‌چه تهمینه در آن شب تاریک به رستم عرضه می‌دارد، متاع گران‌بهای عشق است؛ عشقی پاک و آرمانی، نه هوری و هوس؛ بنابراین نیازی به رشوه دادن نیست و اصولاً این عشق معنوی آن دلیل مادی را برمی‌تابد و از استاد طوس بعید است که چنین شرطی را در چنین قضیه‌ی عاطفی وارد کند. هر چند که رخسار همه چیز رستم باشد.

دلیل دوم این که از حق نباید گذشت که رستم نیز «بر بوی پسته آمده و بر شکر افتاده است» و نباید آن قدر بی‌انصاف باشد و انتظار داشته باشد که تهمینه رخسار را هم بپدا کند.

دلیل سوم این که بیت با اینیات بالا هم‌خوانی ندارد و در یک راستا نیست. دلیل محکم‌بسن‌تر این که اگر تهمینه چنین قولی به رستم می‌داد، مجال بود که به قولش عمل نکند و یا دست‌کم اقدامی در آن مورد نکند. آیا تهمینه قصد فریب رستم را داشته است؟ پذیرفتنی نیست؛ بنابراین به احتمال قوی دو بیت ۸۷ و ۸۹ الحاقی است.

و اگر این احتمال درست باشد، این دو بیت در اولین نسخه‌هایی که بعد از مرگ شاعر از روی نسخه‌ی اصلی نوشته شده است، اضافه

(۱) گزیند جز این مرغ و ماهی مرا (بیت ۸۳)
(پیرو)، (۲) معطوف به جواب شرط (پایه)

به نظر می‌رسد نه آن معنا درست است و نه این ترکیب. تصور می‌رود که تهمینه در این بیت «پیشنهاد» نمی‌دهد بلکه «تهدید» می‌کند و برای تهدید خودش هم دلایلی دارد. (فقط دو دلیل) منتهی این در صورتی است که بپذیریم این بیت در تمام نسخه‌های موجود شاهنامه غلط ضبط شده است. صورت صحیح این بیت باید چنین باشد:

ترایم کنون گر انخواهی مرا
(۲) نیند جزین مرغ و ماهی مرا
یعنی باید به جای «بخوایی»، «انخواهی» باشد. در آن صورت ترکیب جملات بیت چنین می‌شود.

(۱) ترایم اکنون، (۲) گر انخواهی مرا، (۳) نیند جز این مرغ و ماهی مرا
(۱) جمله‌ی مستقل ساده (۲) جمله‌ی شرط (پیرو) (۳) جواب شرط (پایه)
معنی سه بیت با توجه به ضبط فوق چنین می‌شود:

۸۳- یعنی اکنون من از آن تو هستم. اگر مرا نخواهی، خودم را خواهم کشت (و دیگر مرغ و ماهی دریا مرا نخواهند دید؛ یعنی جز این مورد که تو مرا می‌بینی، دیگر کسی مرا نخواهد دید؛ چون بعد از این که خودم را بکشم، زیر زمین دفن خواهم شد.)

۸۴- یک دلیل برای خودکشی ام این است که من حرق عادت کرده‌ام و چنین شیفته‌ی تو شده‌ام؛ و بدتر از آن با گستاخی و جسارت نصف شب آمده‌ام و شیفتگی خود را به تو اظهار نموده‌ام (عقل را فدای عشق کرده‌ام). حالا اگر تیرم به سنگ بخورد و با من ازدواج کنی، به دلیل شکست یا آبروریزی خودم را می‌کشم.

۸۶-۸۵- دلیل دیگر این که آرزو دارم که

ترایم کنون گر بخوایی مرا
نیند جز این مرغ و ماهی مرا (بیت ۸۳)
در (عنوانه‌ی رستم و سهراب) در معنی این بیت آمده است. تهمینه به رستم می‌گوید من از آن توام اگر مرا بخوایی؛ و به جز این مرغ و آسمان و ماهی در دریا مرا نمی‌بیند. سراسر وجودم از آن توست و هیچ چیز و هیچ کس در آسمان و زمین مرا ندیده و نخواهد دید. این معنی ضمن این که به دل نمی‌تیشند، به دو بیت بعدی هم ربط ندارد؛ چون در بیت بعد می‌گوید:

یعنی آن که بر تو چنین گشتم
خود را ز بهر هوی گشتم

با توجه به معنای استادان، «دکتر شعار» و «دکتر انوری» مجبوریم این بیت را این گونه معنی کنیم: یک دلیل برای این که اگر مرا بخوایی، جز این مورد مرغ در آسمان و ماهی در دریا مرا نمی‌بیند، این است که من این چنین شیفته‌ی تو شده‌ام و عقل را فدای عشق کرده‌ام!

و دیگر که از تو مگر کردگار
نماند یکی بوم اندر کنار

دلیل دوم که اگر مرا بخوایی این است که شاید خداوند پسری به من عنایت کند... یا اندکی تأمل می‌بینیم که این سه بیت با این معنا به هم وصل نمی‌شوند.

از نظر دستوری هم اگر بیت اول را بررسی کنیم، با توجه به معنای «عنوانه‌ی دکتر شعار» و «معنای احتمالی رستم و سهراب» از دکتر منصور دستگار «فصلی» ترکیب جملات بیت چنین می‌شود:

(۱) ترایم کنون (۲) گر بخوایی مرا، (۳) نیند جز این مرغ و ماهی مرا

گر دیده یعنی زین
ویژه ضدغزویان شدید بوده و از آن پس
محمود غزنوی در حق فردوسی کرده بود،
احساسات فارسی زبانان و دوست داران
فردوسی جریحه دار بوده است، نساخان، این
لله های مهربان تر از مادر، با افزودن این دو بیت
خواسته اند بگویند که ای ایرانیان بدانید و آگاه
باشید که اگر رستم مهرمان محسوب شما بنا
نهمینه ی ترک ازدواج کرده امیش تر به این دلیل
بوده است که نهمینه قول داد رخش او را پیدا
کند؛ در غیر این صورت به عشق او باسع مثبت
بسی داد و با او ازدواج نمی کرد.

اما در داستان رستم و اسفندیار بیستی است که
می گوید:
هجان شاهها ماوران را بکشت
تبارست گفتن کین او را درشت

در اغلب چاپ های شاهنامه، به جای
شاهها ماوران «ماهها ماوران آمده است و
استاد محمد علی اسلامی ندوشن» می گویند.
این بیت در چاپ مسکو به صورت
ماهها ماوران آمده و درست این است؛ چه در
شاهنامه شماره ای نیست که رستم شاه ماوران
را کشته باشد. (ص ۵ مقدمه ی داستان
داستانها) و بعد نتیجه گرفته اند که منظور از
ماهها ماوران سودابه است، تقریباً تمام کسانی
که به شرح این داستان پرداخته اند، همین نظر
را داده اند ولی با آنکه تأمل در می یابیم که این
استدلال درست نیست.
زمانی که کتابون از رفتن اسفندیار به
زابلستان باخیر می شود، سعی می کند منابع
رفتن فرزنده به جنگ رستم شود و شروع می کند
از اول به ترتیب کارها و دلاوری های او را می
شمارد.

سواری که باشد به نیروی بیل
زخون و اند اندر زمین جوی نیل
این بیت در وصف شجاعت رستم است.
بلرد جگر گاه دیو سپید

ز شمشیر او گم کند راه، فیلد
منظور سفر مازندران است و جنگ با دیو
سپید در حواله هفتم. بعد از جاده ی مازندران
است که سفر ماوران پیش می آید و کتابون

و بعد از آن به فاجعه ی سهراب
داستان میاوش اشاره می کند. به طوری که
می بینیم، کتابون ترتیب را در کارهای رستم
رعایت کرده است؛ بنابراین منظور این بیت
نمی تواند سودابه باشد. دلیل دوم ارجح بودن
ضبط شاهها ماوران بیت دیگری از داستان رستم
و اسفندیار است. وقتی رستم دلاوری های
خود را برای اسفندیار می شمارد، می گوید:

وزان پس که شد سوی ماوران
ببستند پایش به بند گران
بیردم ز ایرانیان لشکری
به جایی که بد شهری گرسری
بکشتم به جنگ اندرون شاهستان
نهی کردم آن نامور گاهستان
در این جا دیگر نمی توانیم قبول کنیم منظور
سودابه است؛ چون سودابه در حرم سرا کشته
شد نه در جنگ.

آنچه باعث شده است شمار جان محترم
ماهها ماوران را بر شاهها ماوران ترجیح دهند
متن شاهنامه است؛ چرا که در جنگها ماوران
نه تنها شاهها ماوران کشته نمی شود بلکه شاه
شام و بیزستان هم که به یاری شاهها ماوران
آمده اند کشته نشده و اسیر بهلوانان ایران
می شوند.

اما از ابیات مربوط به ماها ماوران که در
داستان رستم و اسفندیار آمده است دلچسپ
بر می آید که شاهها ماوران به دست رستم کشته
می شود و فردوسی احتمالاً در این قسمت
نصرتی کرده است، وی می فرید با تاریخ،
لیک آشنا بوده است و قضیه ی دختر اردوان و
اردشیر سامانی را خوانده بوده و لذا از کشته
شدن شاهها ماوران به دست رستم جلوگیری
کرده است ولی قضیه ی دختر اردوان و اردشیر
چه ربطی به این موضوع دارد؟

می دانیم که سودابه سوگلی حرم سزای
کاوشن است؛ زنی که نقش مهمی در داستان
سیاوش دارد و فردوسی اگر شاهها ماوران را
از دست رستم نجات داده، به این دلیل بوده که

خواسته نمودند سهراب
حرم سزای شاه ایران بزید و فکر انتقام خون پدر
او را به کاری شبیه کار دختر اردوان وادارد؛
چون در این صورت لطمه ی جبران ناپذیری به
داستان سیاوش وارد می آمد و برای خواننده
این سوختها هم پیش می آمد که سودابه به خاطر
انتقام پدر به سیاوش حلاقه مند می شود تا نیم
نفاق را بین پدر و پسر و دربار ایران بکارد و بنا
از بین بردن سیاوش نیش خود را بزند. حال
آنکه در داستان مشاهده می کنیم سودابه،
زلیخوار عاشق یوسف دوران خویش است و
عشق و هوس و مقاومت سیاوش در برابر
خواسته ی نامشروع او برده ای از نفرت مقابل
چشمان او کشیده است که معشوق را تا پای
مرگ پیش می برد و وادارش می کند که از آتش
بگذرد.

۱. بیان، چاپ سوم، ص ۱۴۶
۲. شاهنامه ی فردوسی بر اساس چاپ مسکو، به کوشش
سعید حمیدیان، ج ۱، ص ۱۰۶
۳. شاهنامه ی فردوسی زول مول، پادشاهی فریدون
شاهنامه ی فردوسی سعید حمیدیان، ج ۵، ص ۶۶ بیت
۹۹۱
۴. شاهنامه ی فردوسی سعید حمیدیان، ج ۵، ص ۱۶۰
بیت ۱۳۷۲
۵. این بیت را جوان لعل و شاهنامه پژوه قرهاله، آقای سعید ایزدین
به بند یاد آور شده که همین جا از نامبرده تشکر و تقدیر می
نمایم که به نظر بنده کمک ارزنده ای به حل مطلب
توفیق
۶. نظر استاد قدسعلی سراسر نیز چنین است؛ «سروش
سینامک را از آنک امری بین و بیارن او به جنگ با
کیومرث، بدر وی، می آگاهاند.» از رنگ گل تاریخ
خوار، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۲.
۷. مصرع دوم از شاهنامه ی زول مول نقل شد.
۸. ابیات از جلد دوم شاهنامه ی فردوسی به کوشش دکتر
سعید حمیدیان از روی چاپ مسکو نقل می شود.
۹. انتخاب و شرح از دکتر جعفر شعار و دکتر حسن
لوری
۱۰. خورشیدی خاورشناسی، به جای جزین ادگر آمده
است و با معنای بنده سازگارتر است هر چند با
جزین هم همان معنی استفاده می شود.
۱۱. دیگری که است به جای آرم
سنگان همه زیر پای آرم
و دیگر که از رخش داد آگهی
نقد ایچ فرجام جز فری
۱۲. ابیات از شاهنامه ی فردوسی، بر اساس چاپ
مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، ج ۶، ص ۲۲۷
بیت ۲۶۱